

منتہک و شہید
استاد
موتی بخش
مظہر

انہسان و سرنوشت

مقدمہ:
عظمت و افحطاط مسلمین

ضرورت بحث :

1- ضرورت بحث از علل انحطاط مسلمین

2- موضوع حساس و بسیار مهم قضا و قدر

انسان و سرنوشت :

❖ مقدمه اسلام قبلا درجات رفیعی داشته خصوصا در قرون اولیه هجری ، الان منحط شده است

ریشه انحطاط از نگاه نا آگاهان - برخی: قواعد فلسفه تاریخ - دلیل ترفیع هر تمدن

=

نمونه عینی : غلط - دلیل تنزل آن

برخی اسلام

مسلمین

عوامل بیگانه

7 - اسلام افکار و اعتقادات : اعتقاد به آخرت و تحقیر دنیا ، شفاعت و بی قیدی نسبت به گناه ، تقیه عامل ضعف و ترس است ، انتظار عامل رکود است ، اعتقاد به سرنوشت و قضا و قدر
سیستم اخلاقی : زهد ، قناعت ، صبر ، رضا ، تسلیم و توکل
قوانین اجتماعی : حکومت ، اقتصاد ، قوانین جزایی ، حقوق زن ، قوانین و...

- مسلمین : جعل و تحریف حدیث ، اختلاف شیعه و سنی ، اشعریت و اعتزال ، نقش زمامداران در انحطاط

- عوامل بیگانه : فعالیتهای تخریبی و ضد اسلامی اقلیت ها ، شعوبیگری در جهان اسلام و..

❖ قضا و قدر :

1- تعریف — قضا : حکم کردن و فیصله دادن به کاری — مقضی به قضای الهی

قدر : اندازه و تعیین — مقدر به تقدیر الهی

2- طرح بحث : قضا و قدر — انسان مجبور می آید و مجبور می رود

انسان از هر قیدی آزاد است

وجود حکمران مقتدر + آزادی بشر

3- دلیل جذابیت : اگرچه موضوع متافیزیکی ولی دارای بعد اجتماعی است چون

دارای اثر عملی در روش اجتماعی و کیفیت برخورد انسان با حوادث

بر خلاف مباحث فلسفی همه به آن علاقه مندند

4- سابقه مشکل — صدر اسلام : قابل فهم و عامل تحرک و انگیزه

در ادامه : تحلیل کلامی — برخی: همین عامل انحطاط است — قرون اولیه

چرا ؟ — پاسخ — بعدا این موضوع پیش آمد

نظر آنها متفاوت بود

غربی ها : اسلام دین جبر است ، معتزله که

منکرند خوبند و از مسیحیت گرفته اند

و اشاعره همین حرف اسلام را می زنند

5- ریشه مشکل ← جمع

توحید : همه حوادث عالم منتسب به خداست:

لا موثر فی الوجود الا هو

تنزیه : خداوند منزله از اعمال زشتی است که

بندگان مرتکب می گردند

هر دو در تحلیلشان

دچار اشتباهند

6- ارتباط با حوادث جهان

بی ارتباط با گذشته هم در اصل وجود و هم خصوصیات

(شکل ، زمان ، مکان ، اندازه ، حد)

نفی علیت و کزاف و اتفاقی بودن عالم

هر حادثه ای دارای علت و علت = اراده مستقیم خدا

افعال بشر محصول اراده خدا و بشر بی اختیار در ارتکاب هر نوع عمل

وجود علیت عمومی : هر معلولی دارای علت و پیوند با

گذشته ، حال ، آینده — الهی مسلک : وجود علة العلل (خدا)

علل به کار خود آگاهند

به خاطر اعتقاد به اختیار ، قضا و قدر : معتزله

واصل علیت را منکرند

مادی مسلک : وجود سلسله علل ناآگاه

به کار خود

اراده آزاد در کار است که با هیچ علتی : غربی ها

ارتباط ندارد

انکار علیت ، بی اختیار شدن بشر در حالیکه : ما

در انتخاب هایش دارای اختیار است

7- انواع قضا و قدر 7 تعریف غلط تعریف صحیح

- تعریف غلط :

- ① حتمی : آنچه تغییر و تبدیلیش در اختیار انسان نیست
غیر حتمی : آنچه تغییر و تبدیلیش در اختیار انسان هست
غلط ؛ چون قدرت بشر ملاک قطعی نیست و هردو مورد مثال خلاف دارد
- ② حتمی : مقدراتی که شرطش واقع شده است
غیر حتمی : عواملی که می توانسته تأثیر بگذارد ولی به وقوع نپیوسته است
غلط ؛ برخی اوقات با تحقق شرایط هم امکان تغییر و تبدل هست
- ③ حتمی : آنچه از طرف خدا ایجاب شده که واقع شود و حتمی می شود
غیر حتمی : آنچه اراده خدا به آن بی طرف است و اگر بی طرف نیست لا اقل ایجابی در کار نیست
غلط ؛ موجب نفی قضا و قدر می شود و ممکن نیست خدا بی طرف باشد یا اگر بی طرف نباشد ایجاب نکند

- تعریف صحیح — محتوم و غیر قابل تغییر : برای موجودات دارای یک نوع خاص وجود (مجردات) + سنتهای الهی

غیر محتوم و قابل تغییر — عاملی مستقل و بر خلاف مشیت الهی غلط و محال

برای موجوداتی که بیش از یک نوع وجود دارند

(مادیات) انسان تحت تأثیر عوامل مختلف $\neq$ جبر ایجابی

سلبی

ویژگی ها — خود از مظاهر قضا و قدر و قانون علیت عمومی

تغییر در عالم بالا و ملکوت و علم الهی

اراده و فعل انسان سبب تغییر در عالم بالا

8- عوامل موثر در — مادیون : فقط عوامل مادی

نظام علی و معلولی — الهیون : علل مادی + معنوی : جهان زنده و دارای عکس العمل

است — نتیجه — اعتقاد به وجود نظام طرفدار حق در عالم

وجود برکت و توفیق در اعمال خیر بر خلاف نظر مادیون

9- نگاه قرآن — همه چیز مضبوط : همه چیز جبری (اشاعره)

نتیجه

ظلم پذیری در زمان امویان و عباسیان حتی نفوذ در شیعه

بهانه به دست مسیحیان که اسلام جبری و مخالف حقوق بشر است

انسان مختار ← برخی : قدری (معتزله)

10- تکمله : شبهه — مقدمه — آگاهی خداوند به همه چیز

علم الهی تغییر ناپذیر و تخلف ناپذیر

علم الهی ایجابی و معلوم ناشی از آن نه بالعکس

طرح بحث : هرچه می شود مطابق علم خداست

نتیجه : ما مجبوریم به عمل به علم خدا جبر

پاسخ — شکل گیری علم خود و نظام علی معلولی دو چیز جدا از هم

فرض شده اند

علم خدا به این است که اثر فاعل مختار از فاعل مختار و اثر

فاعل مجبور از فاعل مجبور سر می زند

علم و معلوم یک چیزند نه دو چیز